

متن پیاده سازی شده جلسه سی و چهارم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 11 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که دیروز ما کلامی از محقق نائینی نقل کردیم و در کلام ایشان مشاهده کردید که ایشان صدر آیه نبا را مقدم بر تعلیل آیه کردند.

ما سه نقد اساسی را به کلام نائینی وارد می کنیم گرچه بیش از این نقد وارد شده است.

1: از مرحوم اصفهانی: ایشان می فرماید اگر اعتبار خبر واحد عادل از غیر این آیه استفاده شود می توانید بگویید آن دلیل که خبر واحد را معتبر می کند حکومت بر تعلیل آیه دارد اما اگر بخواهید از صدر آیه این حکومت را استفاده کنید این درست نیست؛ توضیح: اگر ما از دلیل بیرون از این آیه مثلا از آیه نفر یا سوال از اهل ذکر بفهمیم که خبر عادل نزد شارع نازل منزله علم است و اخذ به خبر واحد عادل اخذ به جهالت نیست بعد آیه نبا بگوید که مردم اخذ به جهالت نکنید و... با کنار گذاشتن این دو در کنار هم نتیجه این می شود که خبر واحد عادل اخذ به جهالت نیست چون تعلیل آیه که فرمود اخذ به جهالت چه چیزی است و فقط فرمود اخذ به جهالت نکنید. ما رفتیم بیرون دیدیم که خبر فاسق اخذ به جهالت است اما خبر عادل را شارع اخذ به جهالت نمی داند در این صورت حکومت مطرح می شود و دوری پیش نمی آید اما آقای نائینی شما می خواهید از صدر خود همین آیه استفاده کنید و حجیت خبر عادل را استفاده نکنید و این صحیح نیست چرا که صدر آیه با ذیل آیه معنا می شود. بیان دور: ما اگر بخواهیم مفهوم گیری از صدر بکنیم باید تعلیل را کنار بگذاریم و از طرفی چه زمانی تعلیل مانع نیست زمانی که مفهوم منعقد شود پس انعقاد مفهوم متوقف بر زمین خوردن تعلیل است و زمین خوردن تعلیل متوقف بر انعقاد مفهوم است و این دور است.

نکته: دور، تحصیل حاصل، تناقض هر کجا باشد (چه اعتباریات چه تکوینیات) غلط است چرا که سر از خلف در می آورد. استاد: در کلام مرحوم اصفهانی دو احتمال وجود دارد: مرحوم اصفهانی به نائینی می گوید اینکه می گویی اگر مفهوم بخواهد حکومت بر تعلیل داشته باشد دور واضح است؟

الف: ایشان می خواهد بگوید ممکن است تعلیل بر مفهوم حکومت داشته باشد.

ب: در اینجا حکومت مطرح نیست بلکه اینجا تحاکم است یعنی از طرفی ظهور مفهوم را داریم که می گوید خبر عادل را اخذ کنید و از طرفی ذیل را داریم که می گوید اخذ به جهالت نکنید... تعارضاً تساقطاً... در این صورت نه رد خبر واحد با این آیه ثابت می شود و نه اثباتش

استاد: البته هیچ کدام از این احتمالات از کلام اصفهانی برداشت نمی شود.

2: این اشکال از مرحوم امام خمینی در کتاب انوار الهدایه است: ایشان در ابتدا، کلام نائینی را نقل می کند و اشکالی مطرح می کند؛ مرحوم امام می فرماید: یک قضیه شرطیه اگر بخواهد مفهوم داشته باشد باید چند عنصر را داشته باشد 1: ترتب بین جزا و شرط 2: رابط شرط و جزا علت و معلول باشد 3: علت منحصره باشد. پس مفهوم گیری در صورتی محقق است که این موارد رعایت شود در آیه شریفه هم اگر ذیل آیه نبود میشود مفهوم گیری کرد چرا که علت منحصره محسوب میشود اما وقتی بعد از جمله شرطیه یک علت آمد معلوم می شود که علت حکم آن شرط نیست بلکه علت حکم، آن علت بعد است... ایشان مثال می زند: اگر مولا بگوید ان جائک زید فاکرمه لانه عالم... شما نمی توانید بگویید اکرام علتش آمدن است چراکه تمام علت لانه عالم است؛ چرا در این موارد، از ان جائک علت بودن فهمیده نمی شود چه برسد که کسی بگوید علت منحصره است ما نحن فیه هم از همین قبیل است.

3: اشکال سوم: کسی به جناب نائینی می گوید شما گفتید حکومت صدر آیه بر ذیل آیه ... آقای نائینی حکومت ضابطه دارد و ضابطه حکومت این است که یک دلیل ، مفسر دلیل دیگر شود.

اگر یک دلیل بیاید بگوید حرمت ربا بین پدر و پسر نیست این می شود تخصیص اما اگر یک دلیل آمد و گفت لا ربا بین الوالد و الولد این می شود حکومت ...دومی حکومت است چرا که در تعریف حکومت گفته اند اثبات یا نفی حکم به لسان موضوع است.

اگر ملاک حکومت در آیه نبا باشد حرف نائینی درست است اما اگر نباشد حکومت نخواهد بود ؛ صدر آیه مفهومی این است که خیر عادل تبیین نمی خواهد اما ذیل آیه می گوید هرچه جهالت است شما اخذ نکنید .....رابطه تعلیل با مفهوم رابطه عام و خاص می شود نه رابطه حاکم و محکوم و لذا کلام نائینی درست نیست.

نکته: وقتی رابطه صدر و ذیل عام و خاص شد در این صورت خیلی ها می گویند عامی که منطوق است بر خاصی که مفهوم است مقدم می شود مخصوصا زمانی که عام ابا از تخصیص داشته باشند؛ در آیه هم ذیل آیه ابا از تخصیص دارد چرا که پرهیز از اخذ به جهالت تخصیص بردار نیست.

**و الحمد لله رب العالمین**